قرانئی دیگر از منازعه لرد مینتو و سرهرافورد جونز
(تجلیل از مبانی نخستین مسافرت ایلچی دربار قاجار به انگلستان)

دکتر غلامحسین زرگری نژاد
دانشیار گروه تاریخ - دانشگاه تهران

چکیده
پس از شکست قواه روسیه از نیروهای فرانسوی و امضا معاهده تسلیسی میان انگلستان اول و
نابلتوس بناپارت، فرمانفرما انگلیس هند و مقامات وزارت خارجه بریتانیا با درنگ به اندیشگر
روابط با ایران ایجاد می‌کنند و در صورت دیگری اتحاد فرانسه و روسیه و تهدید هند، مانع از همراهی
حکومت قاجار با متحدین گردند. دو میلین سفر سران جان مالکم و ماموریت سر هارو فورد جونز به
عنوان سفر دوست انگلیس به ایران در پی همین رهایت انگلستان کبد. پس از نکاپا مالکم در رسیدن
خود به تهران، جوزف این تحقق یافته‌ها در آستانه خروج زورال داغدن از ایران، خوشی را به دربار
قاجار رساند و کمی بعد دومین عهدنامه ایران و انگلستان را به نام معاهده مجمال به راه‌دار
کرد. اینکه پس از این، فرمانفرما انگلیس هند، طی نامهای سفرات جوزف را مورد تردید قرار داد و معاون
مالکم را به عهده‌سازی بردن ایران استفاده کرد. انگار سفرات جوزف و موضوع اعیان میرزا ابوالحسن خان
ایلچی برای همراهی با این سفرات نیز همواره در مانع انگلیسی و ایرانی بودند. اختلاف و منابعه‌ای
هند با جوزف تفسیر شده است. به نظر می‌رسد که از این رقم بر این قرائت‌ها، قرائت دیگری از این دعا
همان‌گونه‌های قلی برای وقتکا و روشن شدن سرگشای صلح مزارع نابلتوس و الکساندر باشد.

محور اصلی مقاله حاضر نگاهی است به زوال‌های از همین قرائت دوم.

کلید واژه‌ها: تاریخ قاجاریه، روابط خارجی، ابوالحسن خان ایلچی، هارو فورد جونز، لرد مینتو،
نکاتی شاه
در سال ۱۳۰۷ (۱۲۲۴ ق)، به دنبال انتشار خبر شکست قوای روسیه از نیروهای تایپولن در تجدید اتحاد روسیه و فرانسه علیه انگلستان، دولت بریتانیا بر آن شد تا بی‌درنگ‌یکی از دیپلمات‌های زیده، خوشب نام گزارند. جنرال راکه، رهبر جبهه نظامی و از سالهای پیش ایران را می‌شناخت و به اوضاع کشور ما آشنا نبود. از یکدیگر داشت، به قصد چلب اتحاد دربار فاکار با انگلیس و موانعی از اقدام فتحعلی شاه در اتخاذ سیاست همراهی با اکسندور و تایپولن برای هجوم مشترک به هند، روانه تهران کرد. در این زمان، جنرال نیروی روسیه، همچنان به تعرض خود بر قفقازی استمرار می‌دادند و مطالعه عهدنامه‌های کشتی‌های نظامی ایران و فرانسه را اتخاذ نظامی بر قرار بودند. طبیعی، تمام نقطه انتقال خارجی حکومت قاچار در مقابل باین تعریف نیز بی‌یاری تایپولن و هیأت‌های اعضاً می‌باشد. اول ایران استوار بود، اما پس از امضای عهدنامه تسلیم میان اکسندور و تایپولن بنا برای، فرانسویها عملی نسبت به عهدنامه‌ها فین کشتی‌های بی‌انتظام می‌کردند و حاضر نبودند تا با ادامه حمایت نظامی و سیاسی از ایران در برای روسیه، متحد جدید خویش در صحنه حضور با اکسندور و متحدانش را از خویشته برنجانند. به همین دلیل نیز زیرال بالار کردند و همراهانش، نه تنها سایت فعالی را برای تقویت قوا ایران در برای روسیه بخش نگرفتند، بلکه به انواع همراهی‌های آن‌ها در اقدام برای دفاع شرکت و پنهان با فرماندهان روسی نیز بردته را و حتی از ادامه همکاری با قواه ایران در جنگ ایران با روسها خودداری کردند. این سیاست که به تدریج بر دربار ایران آشکار گشت، بسیار گردنده که به مرور موقعیت‌های فرانسوی در ایران و حتی در میان عامه مردم تهران و تبریز نیز تزلزل شدیدی یافته و برخی از آنان دست به رفتارهای توهین‌آمیز زند. وزارت خارجه انگلیس نیز طبیعی بر این زمان، از طریق عامل و وابستگان درباری و غیر درباری، از تزلزل موقعیت زیرال بالار کردند و هیأت‌های همراهش که روانه ایران شده بودند اطلاعی بسنده داشت، همچنین بر نیاز شدید فتحعلی شاه و عباس میرزا به مداخله‌های مالی و نظامی
برای استمرار مقابله با روسها نیز واقع بود.

جونز چون در ۳۲ جمادی‌الاول ۱۳۴۲ (۲۸ اوت ۱۹۶۳) استوار نامه خروج را از پادشاه افغانستان دریافت کرد، از لندن روانه هند شد تا از آن طریق خود را به بندر بوشهر رساند، رهبر تهران شود. درست در همین زمان، لرد مینتو فرمانروای هند نیز که به اهمیت نقش دربار ایران در شرایط جدید پی برده بود، کوششی ناموفق را با اعظام سرگردان جان مالکم به ایران صورت داد. جان مالکم در ۱۴ ربيع‌الثانی ۱۲۷۳ (۱۰ مه ۱۸۵۸) وارد بندر بوشهر شد. اما به خلاف انتظار، با عکس العمل تند دربار ایران مواضع گردد و اجازه حرکت به بوشهر را نیافت.

گفته شده است که علت العلل این واکنش، آن بوشهر در این زمان، هنوز شاه ایران نسبت به مفاد معاهده فیل کنتاون (۲۵ صفر ۱۲۲۴/۶ مه ۱۸۴۷) با فرانسه‌ایهای یک بند بوده و همین دلیل نیز پذیرفتند یک مالکم را خلاف تعهدات خروج نسبت به تاپلوس می‌دانستند. این ادعا بر بی‌رونایی دربار ایران و شاه فارسی، علی رغم ملاحظه‌ی به‌مره‌های وی اعضاً های تاپلوس به ایران پس از صلح تیلیستان ب‌سی‌های، اگر چه در این زمان نسبت به فرانسوی‌ها به‌دست‌های بی‌پدایی بودند و موجودی گاردان نیز در ایران، چنان‌که اشاره‌شده بود، سخت منظوره بود، اما واقعیت که انگلیس‌ها نیز در دربار ایران به همین خصیصه عهدبکری یونه‌بودند.

توجه آن‌ها سرجان مالکم، در سال ۱۲۱۶ (۱۸۰۰) به ایران سفر کرده و با ادعاهای فراوانی برای یک‌میلی‌گی افغانستان برای پای‌ایران علیه تهدیدات خارجی، به امضای قرارداد مالکم‌بکنان (۲۷ شعبان ۱۲۱۵/ژوئیه ۱۸۳۱) (که در واقع قراردادی به ایران ایجاد شده خاطر برای تهدید هنگام از سوی افغانستان) توقیف یافته‌بود. درست در سال ۱۲۱۸/۹۸۳ که همه قواره روسیه به فقیه آگاه‌شده و بسیار طبیعی بوده که فتحعلی‌شاه بر اساس همین اولین قرارداد ایران و افغانستان، از مقامات انگلیسی‌های خواستاری باری ایران در برابر روسها شود، اما در آن هنگام نه دربار لندن و نه رؤسای کمپانی‌های شرکتی، حاضر به انجام تعهدات خروج نشد و ایران را در برابر روسها به حال خود گذاشتند و بدین‌سان انگلیس‌ها، به‌پیش از فرانسوی‌ها، سوابقی از عهدبکری در میان ایرانیان داشتند.

بر این اساس به نظر می‌رسد که بتوان گفت افزون بر پایی بندی ایران به تعهدات خروج نسبت به فرانسوی‌ها، عامل مهم دیگر در برابر مخالفت دربار فارسی به تهدیدات خروج
مالکم به ایران، همین عامل بدبینی به انگلیسی‌ها به دلیل بی اعتنایی به درخواست آنان برای
بایر-ایران در برابر هجوم روسیه بود.

کشفیه است که سرجان مالکم دو مأموریت خویش به سوی ایران را در شرایطی آغاز
کرد که سفر وی به پادشاه انگلستان و دولت انگلیس به سردار فردوس جوزنی در 29 صفر
1223(۲۶ آوریل ۱۸۰۸) وارد هند شده بود.

موضوع متوکل شدن جوزن در بمبی و ممانعت مقامات کمپانی از حرکت او به سوی
ایران و سبک دادن جان مالکم بر او، برای عزمی به سوی ایران، بر بینای تعارض‌های سابقه
دار میان مقامات کمپانی هند شرقي و دولت بریتانیا، طبیعی ترین تفسیر رسماً است که همواره
در این باره ارائه شده است. به‌لواحق این تفسیر لرد میتون بر بینای سنگجی نمایه سهام داران
کمپانی که خود دست نشانه ایشان بود و به‌خلاقی رژیم بریتانیا و وزارت خارجه کشور
می‌تواند در مواجه شدن با مأموریت سردار فردوس جوزنی تنها خودسران جان مالکم
را روانه ایران کرده، بلهک از جوزن نیز خوستات تا مأموریت محوله از سوی پادشاه و دولت
انگلیس را نادیده گرفته و در بمبی ممانعت از عزمیت
جوزن از بمبی به سوی بوشهر فراهم ساخت.

اگرچه چنانه اشاره شد، بر بینای اسبق و مدارکی که در باره برخی تعارض‌ها و
ناهماهنگی‌هایی که از دیرباز میان بزرگانان لندن و کمپانی هند شرقي وجود داشته است، در
بادی امر چنین تفسیری از اقدام بازدارنده لرد میتون علیه جوزن طبیعی به نظر مرسد و تمام
مورخان و دیلمات‌ها و نویسنده‌گان انگلیسی و غیر انگلیسی نیز از دیرباز بر طرف قومی تفسیر
ره پورتیانه‌اند، اما این تفسیر زمانی اتفاق کنده و از میان برندی تردد و تأمین‌های عقل
پویای تفسیر است که بتوان از مبهر نکنه‌ها و پرسش‌های ذیل به‌سیله تگرد کرد:

۱- با اصل دادن و تعمیق و تعمیر تعارض‌ها و ناهماهنگی‌های موجود میان مقامات
کمپانی هند شرقي با لندن باید پذیرفت که این تعارض‌ها، تا بدان‌های بود که در مانروای
انگلیسی هند حتی به‌قیمت نادیده گرفتن سیاست کلی بریتانیا در سطح ژانگی و منطقه‌ای
سعی داشت تا صرفه‌جا مانع خاص سهام داران کمپانی را مبنا تصمیم‌گیری‌های خود قرار دهد
و به رغم اقدام بسیار بر اهمیت و بپا باین دولت انگلستان تا آن زمان، یعنی تعيین سفیری
مستقیم برای اعزام به ایران از سوی پادشاه انگلیس که حکایت از حساسیت شریفت و نیاز عمق
بریتانیا به برقراری ارتباط با ایران داشت، همچنان بر ضرورت دفاع از منافع کمیابی و به زیان منافع اساسی بریتانیا اقدام کرد. واضح است که به دلیل اقدام بی سابقه دولت انگلستان برای تعیین مستقیم جنوز، نمی‌توان گفت که دولت ماندان انگلیسی از این توسعه روابط با ایران جنوز را آماده کرده بودند. طبعاً اکثر لرد مینتو علیه وی نیز اقدامی بود در برابر یک دیپلمات عادی، نه سفاری که در شرایط حساس و به قصد تأمین اهداف بسیار پر اهمیت روانه سفر شده بود.

۲- در شرایطی که دولت انگلستان از اتحاد مجدد فرانسه و روسیه و خطر این اتحاد برای منافع بازرگانان انگلیسی در هنگ‌نگان بود و به همین سبب نیز تماشای همسایگان نظامی خود را به کار گرفته و جنوز را روانه تهران کرده بود، لرد مینتو فارغ از هرگونه دعوت‌های از این دست و بدون آنکه به اقدامات ممکن دولت انگلیس برای حفظ منافع کمیابی توجه کند، به مسأله محدودی چون هزینه سفر جنوز ۱۳ به ایران و وقابت به دولت انگلیس در برقراری روابط با تهران می‌اندیشد.

۳- خودسری و کارشکنی فرمانروای هند در مقابل مقامات دولت انگلیس و مخالفت با اقدامات وزارت خارجه دولت مثبت خوش چان آمری طبیعی بود که هیچ گونه واکنشی را به دنبال نداشت. چانیکه در جایی دیده نشد است که پس از اقدام بازدارنده لرد مینتو علیه سفر پادشاه و دولت انگلیس، وی مورد سرزنش یا بازخواست قرار گرفته باشد، مگر و اکثر ها یک بسیار سطحی و در روابط آنچه آب و طغیان خان شیرازی نیز نقل کرده است. اگر مطالب همین تفسیری که ارائه شد، ممکن بود از انجام ممکن بود توسط لرد مینتو به معتقد کارشکنی فرمانروای هند در برای انجام ممکن بود اهمیت نبوده است، پس باید پرورده که مقامات وزارت خارجه انگلیس چرا خود را برای اعضا جنوز به زحمت انداده‌اند، مگر ایرانی داشت که آنان، همانند آغاز قرن هجدهم، با هم مستقل برقراری روابط دیپلماتیک با ایران را به عهده فرمانروای هند و گذاراندن؟

۴- اگر توافق کنیم که به دنبال اقدام دولت و وزارت خارجه انگلستان برای برقراری ارتباط مستقیم با ایران، از طریق اعضا جنوز، کمی بعد همین لرد مینتو نیز دو نماینده رسی را روانه کابین و پیشانی کرده که هرکدام عهده‌نامه مستقل و مهابهگی را برای پیش‌گیری از هرگونه عبور قوای رقیب انگلستان از سوی افغانستان و پیشاور به سوی هند، با شاه شجاع درانی و رنجیت سینگک متعهد کنند، آنگاه بعد است که بتوانیم نتیجه بگیریم که لرد مینتو
مأموریت جونز را سفارتی معمولی می‌دانست و با ممانعت از عزیمت وی، دست به اقدامی آشکار علیه منافع جهانی و منطقه‌ای دویت متعوب خویش نزده، بلمک به مخالفتی ساپه‌ی دار در روابط هند و لندن دست یافت‌های است.

۵- همچنین اگرچه کیمی که کوتاه زمانی پس از عزیمت نهایی جونز به ایران، لرد میتو دو هیات، یکی به سرپرستی همن سرگرد مالکم از طریق دریا و دیگری به سرپرستی سروان پویتینجر از راه خشکی سند و بلچستان روانه ایران کرد تا ضمن برقراری روابط مستحکم با دوبار فجار، مطالعات لازم را ارزی مسرهای تهیه‌کننده هند از مسیر بلچستان به عمل آوردند، آنگاه ممکن است بتوان نه مهیشتر درباب طبیعی قرین و واکنش لرد میتو در برابر مأموریت جونز و احاله آن به رقابت‌های سابقه‌ی دار میان هند و لندن تأمل کنید.

۶- مفاد برخی از استند براتاندی که سرگرد جان مالکم از عناصر مؤثر در تصمیم‌گیری لرد میتو علیه مأموریت سر هارفرد جونز و اعظام خویش به سوی ایران به جای جونز بوده است. اعتماد به این دعایی به معنای آن است که فراموش‌های هند تصمیم مقدماتی دولت متعوب خویش را فداهی و هویه‌ای ساخته است که تا در مأموریت دوم به ایران از بوسه‌ی فراتر رفت و هن در بازگشت پیشنهاد موقولی جز پیشنهاد غیر عملی حمله نظامی به ایران به همراه آورد. پیشنهادی که اگرچه جنگی شده است که لرد میتو نیز در آغاز با آن همراهی نشان داد، اما درنایی از اچاره‌ای آن روت بر تافت و صرفاً به انتشار اخبار مرزی به تصمیم اولیای هند در حمله به ایران اکتفای کرد. اخبار خیه که به پویان آنها را به قصد زمینه‌ای ذهنی برای اقبال دربار قاجاری به جهت پذیرفتن جونز قلمداد کرد، به چیزی فراتر از آن.

۷- موجه تصمیم سر هارفرد جونز در خاطرات خویش، او پس از انتشار خبر ناکامی جان مالکم در ایران، با موافقت لرد میتو رهسیار بوشهر شد تا خود را به هنگ‌ی برساند. در کتاب این گزارش استادی حکایت از آن دارند که پس از رسیدن جونز به بوشهر وی نامه‌ای از لرد میتو دریافت کرد که در آن نامه تأکید شده بود که جونز با پایین برای هستی به سوی هند بازگردد، چرا که اولیای هند بر آنند تا اندیشه‌ی نفوذ در دربار تهران را از طریق حمله نظامی به جویای ایران به محل جدایی درآورند. جونز طبیعی به چنین دستوری اعتیا کرد و راه خویش را به سوی تهران ادامه داد. گفته‌شده است که لرد میتو طی نامه دیگری که در شیراز به جونز رسید بار دیگر به او دستور داد تا خاک ایران را ترک کند.
معنایی اعتماد به این نامه‌ها، در صورتی که آنها را روبه‌رو علیه سیاست‌های هماهنگی شده قلمداد نکنیم، آن است که لرد مینتو حتی پس از تأکید از اقدام خویش در اعتراف سرگرم مالکم به ایران و در حالی که خبر یافته بود که جوزئ به خلاف مالکم در جلب دربار ایران برای ادامه سفر خویش به سوی تهران توقف یافته است، هماهنگ خودسری خویش را اساس و منبیز تصمیم گیری‌های خود قرار می‌داد و در این شرایط حتی آشکارا بود که سفیر دولت انگلستان که همه علائم موشکی او آشکار بود می‌پرداخت. لیکن هنگامی که این صورت بايد اقدام لرد مینتو برای عقد معاهده با شاه شجاع را نیز بر بیناد رقابت هنده و لندن تفسیر کنیم.

بی‌به‌به است اگر تأملات و پرسشهای عدیده‌ای راک در دربار قرار رسمی و شایع در باب منازعه لرد مینتو و جوزئ وجود دارد و مافوق به چند مورد آنها توجه داده‌ایم، میانی تردد در باب صحت قرار نخست قرار دهیم و راه را بر قرارنی دیگر بگذاریم، چه با بتوانی بر اساس قرار دوم، منتهی بگیریم که فرمان‌روا هنده در کارشکنی ظاهری علیه جوزئ، نیات محرمانه دیگری را مدت ندارد که آن نیات بسی فرآیند از دعوگاه‌های شخصی، تلقین چندی را از سرگرم مالکم و چه ملاحظات مالی در باب هزینه‌های سفر جوزئ بوده است. به عبارت روش‌یور، چه با بتوانی مدعی شویم که لرد مینتو چه در حصول به آن نیات و چه در اعمال آنها، با وزارت خارجه شور خویش که طبعاً به شکیل مستمر با هنده در ارتباط بوده است نیز هماهنگ بوده است. تنه دچ تنصب رسمی است که می‌توان مبنا متوسطد ودین وقت جوزئ در بیشتر را به امری فرآیند از دعوای و خود سری کودکانه لرد مینتو و یا بسی پیچیده‌تر از صعوبت تحمل بار مالی سفر جوزئ به ایران داشته.

اگرچه دژوار است مدعی شده که خود جوزئ نیز از پشت صحنه تمام تصمیم‌های لرد مینتو (تصمیم‌های ظاهرای هماهنگی شده با مقامات لندن) آگاهی داشته است، اما بعد است که بتوان گفت که او در ادامه سفر به ایران، خاصه زمانی که حواله‌های مالی او از طریق لرد مینتو نکول شد و همچنین چون کودکانه و دوران شان خود و دولت متشکرش به شاه و افرادان توالی جست تا آنان مشکل وی با لرد مینتو را حل و فصل کند، به راستی هماهنگ اعتماد داشته که در پس اقدامات لرد مینتو و سکوت دولت انگلیس برای تحقیر سفیر رسمی در هنده، هیچ سیاست پنهانی در کار نبوده است.

با ادامه بررسی مأموریت جوزئ در ایران و نگاهی به مسائل بعدی، شاید بتوان در بر قرار
جید از منازعه لرد میتنی با جونز و انتخاب نهایی سرگوراوازی به جای او، بستر معقولی ارائه کرد و نتیجه گرفت که لرد میتنی نهایی مقامات لندن، با عناوت به علائمی از برز تقار میان الکساندر و تاللتون بنابراین بر آن بود تا به جای سیاست شتاب در همراهی با ادامه سفر جونز، روش وقت کشی را پیش گیرد. پس به همین دلیل بود که على رغم مواقف نهایی با عزمیت جونز به ایران، پس از روسیه ای به تهران و اضاءه عهدنامه مجمل، به نوشتن نامهایی به او و فتحعلی شاه و نکول حواله‌های مالی و حتی عنوان کرد که ضرورت حمله نظامی به ایران 18 که به عقلالانی بوده، نه مسیر و مفید، بر آن شد تا راهی پیگیری جهت اعمال سیاست وقت کنی.

توجه کنید که اگر در این زمان مقامات انگلیسی در اتحاد با ایران و برآورد نیازهای مالی و تسیل می‌خواهند، چه بسا با این شتاب خروجی در شرایطی که به خلاف آغاز اعضا کردن بی ایران، روسیه به مروز از فرانسه فاصله گرفته و تبدیل به منحنی قرب الوقوع انگلیسی به گسترش، عملکرد روس فرانسوی و به زبان کشوری گام بر داشته بودند که علاوه فاصله افتادن میان ای و فرانسه، روز به روز علنه بر می‌گردید. 19 به عبارت روش‌نر در فاصله شش ماه پس از حکم جونز از لندن به سوی صیلی، در اروپا اتفاقات قابل توجهی در حال بکوبی بود که مقامات انگلیسی نسبت به یک یک آنها حساسیت ویژه‌ای داشتند. یک روز این رخدادها به سوی افزایش نگرانی و دشمنی روسیه با فرانسه بود و یک روز درگیر آن حلال و فصل این نگرانی و استمرار دشمنی این دو کشور با انگلستان. بدهی است که در این شرایطی، تمام دستگاه دیپلماسی و جاسوسی انگلستان نیز در کار بود که هم تعارض حاصل شد و اما بهنام در روابط روسیه و فرانسه را عمق بخشیده، هم الکساندر را که مشهور بود با یاری انگلیسی ها بر قتل پدرش توفیق یافته و به قدرت رسیده است، بار دیگر در کنار سیاست بریتانیا قرار دهد.

در همین حال انگلیسی ها با هوشیاری سیاسی، از سویی برنامه برابر نزدیکی با دربار ایران را طراحی کرده بودند تا در صورت استمرار اتحاد روسیه و فرانسه و شکست تلاش‌های آمک این پنهان برای یافتن کردند دشمنی روسیه و فرانسه، از سویی مانگ پروس تن قاجارها به سیاست تهدید هندی از طرف آن متحدین شوند و از سویی دیگر، پس از آشکار شدن علائم بیشتری از نظر میان الکساندر و تاللتون (پس از حکم جونز به سوی بمبی) دیگر چون آغاز
زمان ما موریت جوزنژ، شناختی برای رسیدن او به تهران نداشته و به اتلاف وقت و تأخیر در برقراری روابط فعال با ایران منتفی بودند. آگه‌هم جوزنژ در هنگام توقف در بمی، موقتاً از این سیاست جدید بی نیاز مانده بود، اما به زودی در هنگام نکول حواله‌های مالی توسط لرد مینتو از آن آگاه شد و به هماهنگی هوشیارانه‌های آن پرداخت. در این باره پس از این توضیح بیشتر خواهیم داد.

به موجب استنادی که در دست داریم جوزنژ پس از آنکه لرد مینتو سرانجام با حکرت و به سوی ایران موافقت کرد، به‌معنی را به سوی بوشهر ترک کرده‌گفت و در 23 شعبان 1323 (14 اکتبر 1868) پس از آنکه از این شهر گذشته بود، بدون مقاومت دربار تهران، با احترام عازم شیراز گشت و در حالی که از سوی شاه ایران علی محمد خان حاجیلر استرآبادی، به مهمانداری او معین شده بود، به‌معنی وارد تهران گردید.

هر چه بود، جوزنژ پس از ورود به تهران، آن هم یک روز قبل از همان روزی که گاردان و هیأت همراه این شهر را ترک کرده‌گفت، از سوی مقامات درباری با استقبال شایانی روبرو شد و در 2 محرم 1324 (17 فوریه 1869) به حضور فتحعلی شاه رسید. 25 جناد روز بعد نیز گنتگوی او به میرزا شفیع مازندرانی جهت فراهم آوردن متن عهدنامه مجمل آغاز شد. در ماه چهارم این عهدنامه سفیر پادشاه انگلستان تعهد کرده بود که در شرایط حمله روس‌ها به ایران، این کشور را از نظر نظامی یا مالی حمایت کند و مهمات جنگی لازم را در اختیار قانون ایران قرار دهد.

در 25 محرم 1324 (12 مارس 1869) و در شرایطی که جوزنژ توانسته بود با سفارت، عهدنامه مقدماتی یا مجمل 21 روابط دوستانهای میان انگلستان و ایران برقرار کند، نامه‌ای از سوی فرامرزی هنده‌گفت به فتحعلی شاه رسید. نامه‌ای که ضمن نکول حواله‌های مالی جوزنژ اصالت سفارت جوزنژ را نیز مورد تردید قرار داده بود. 27 در این سخن که نکول حواله‌های جوزنژ، موجب بروز مشکلاتی مالی برای او و هیأت همراهش می‌گردید، چای ترکیدی نیست، اما طبعاً به اصالت سفارت وی اسیبی وارد نمی‌کرد؛ چنانکه نکرد. دلائل این امر نیز واضح است. فتحعلی شاه جوزنژ را به عنوان سفیر پادشاه انگلستان پذیرفته بود، نه فرصت‌های لرد مینتو. ضمناً او به عنوان سفیر مقيم نیز وارد ایران نشد و بود. به همین دلیل می‌بایست طبیعی بود که به جای توسیع به سیاست انجام به فتحعلی شاه و درباریان تهران و دریافت پاسخ‌های همراهی
اگر آنان که به نظر می‌رسد با تأمین و تدبیر صورت پذیرفته باشد، نه از سر ساده لوح، در حالی که عهدزاده مورد نظر را به امضاء رسانده بود، به‌سوی انگلستان بزگ‌گفت. پرواسیع است که در صورتی که جواندست به این اقدام طبیعی می‌زد و حتی یکی از دبیرداران ایران را نیز با خود همراه می‌کرد، خود به خود بحث پدید آمده نیز در زمانی کوتاه جهت و فصل می‌شد. می‌دانیم که جوان به تنهایی به این روش طبیعی متسلسل نشد، بلکه به جای آن با پشتیبانی و درایت تمام، شرایطی را فراهم ساخت که فتحعلی شاه به پیشنهاد او تن در داد و پذیرفته تا برای نفع سفری که به زعوم وی مورد اهانت و رئیسیت و برای کمک به جون، مردم دست آموز بوده که می‌توانست در بارزی اتفاقی بزرگ نشان دهد و ملک و صلح ایجاد کند یا از زبان مقامات انگلیسی بشنوید. اگر باز هم توجه کنیم که میرزا ابولحسن خان نامزد اعضا جوان را از زبان می‌گفتند. اگر در حواله‌ی وقعتی که می‌توانست در بارزی اتفاقی بزرگ نشان دهد و ملک و صلح ایجاد کند، دیگر به داشواری می‌توانیم این اکنون که سر هارفرد جونز نیز طرح ابعادی نمایندگانی به هنگام را به هیچ‌گونه قصیده و برنامه‌ای برای وقت کشی به اجراثدباده است.

در ماده اول عهدزاده مجمل که همین جوان آن را امضاء کرد، آمده بود: [یک جمله کامل]

ملاحظه می‌شود که عبارات با هم‌اشکاری بر شتاین طرفین معاهده بر امضای عهدزاده‌ی میان ایران و انگلیس دارد. باستای به همین واقعیت، در صورتی که به‌تهی متمایز مجمل و مفصل و قطعی از سوی طرفین موجه باشد، طبیعی‌ای به‌اید آن را در امضای نهایی عهدزاده نیز شتاب می‌دادند و به سرعت در انتظار فراهم کردن مقدمات آن بر می‌آمدند. افزون بر این با آب‌ه م اتفاق جونز و هم میرزا ابولحسن خان، شتاب شایسته‌ای در تعمین جایگاه جونز در هنگام و رسیدن مین عهدزاده مجمل به نظر مقامات وزارت خارجه انگلیس نشان می‌دادند، اما حقیقت این است که به خلاف میرزا ابولحسن خان که در ظاهر برای رفت و
فرآیند دیگر از منازعه لرد مینتو و سرهارفورد جوئن / 147

برگشت خوشبختی عجله نشنانی می‌داد و مدعاً گیوه که در صورتی که جنگ ماموریت خود سرش را از دست خواهد داد، جمیز موریخ (طباعاً به پیروی از تعیینات جوئن)، هیچ شناختی برای تعمیم تکلیف بحراً بی‌دخوآمد در ایران و رفع سریع خدای شده وارد شده بر جایگاه و شخصیت سفیر انگلستان، پناهندگی سریع ماموریت خوشبخت نداشت.

به‌گونه‌ای مانع و استاد موجود، هیأت اعزامی به لندن پس از ترک تهران، گاه پادشاه و گاه سوار، بدون نتشان دادن کمترین شناخت در فاصله ۱۵ روز در ۷ بهمن (۲۴ فوریه ۱۲۴۷) به تبریز رسیدند و در آنجا نیز با همان آهنگ بیشتری در گذر از منازل، راه خود را به‌سوی گذاشتند.

خلاقانه کنیم؛ این هیأت که علی القاعده با یاد در زمان کوتاهی خود را به لندن برسانند و با شناخت مراجعه می‌کردند، تا هم تکلیف موقتی سفیر تحصیر شده را معلوم بدارند، هم تکلیف عهدنامه مجمال و وعده‌های نظامی و مالی جوئن به ایران را معلوم کنند، پس از حدود ۶ ماه در شوال ۱۲۴۷ (۳۱ دسامبر ۱۸۰۹) وارد پادشاهان شدند.

در پادشاهان نیز چند روزی از وقت هیأت صرف دیدگاه از کارگرخانه‌های این شهر شد. آنان سرانجام در ۲۵ شوال پادشاهان را به قصد لندن ترک کردند و یک روز بعد وارد پایتخت اولین تنش شدند. ۳۱

طبعاً در لندن، نخستین موضوع باید ممکن بر رضایتی به‌سمت اصلی ماموریت میرزا ابوالحسن خان می‌گشت. ۲۳ در میان مذاکرات و سفرهای اولین تنش، باید بر سر ماموریت و منصب اولین تنش ایران‌گرای و رأی آغاز کردند. برخی مدعی گیوه که گونه در نامه خروش میرزا ابوالحسن خان را چپار نامیده است نه سفر. حال آنکه عقیده داشتند که او سفرانش‌ها ایران است. این اختلاف توسط اولین تنش ایران و از طریق نشان دادن استوار به‌وجود تنش که برای پادشاهان اولین تنش حاصل شد.
بلانکیفیش بکاهد.
میرزا ابوالحسن خان در 6 دی ۹۳۲ (۱۳۷۱) نیز افتخار ملاقات با
نخست وزیر انگلستان آقای اسپنسر برسبوال را بافت. این اتفاق در این ملاقات از نخست
وزیر برای تأکید در ملاقات با پادشاه انگلستان گذشت. او به درستی مدعی شد که از سوی
شاه ایران ۴۰ روز فرصت اقامت در لندن را دارد. این در حالی بود که پیامدار پادشاه انگلستان
بهانه تأخیر دیدار ایلچی دربار قاجار با پادشاه انگلستان عووان می‌شد. اینگاهی نخست وزیر
انگلستان مدعی بود که است باربایی سفرا در انگلستان چنان نیست که سفرای هر همان روزهای
نخست وروود به حضور پادشاه با رایبند. با این حال، واقعیت دیگر نیز آن بود که ایلچی ایران از
زمان وروود چنگالی که سرانجام انتخاب در ۳۳ صفر (۱۳۸۰ مارس ۱۴۱۱) به ملاقات
پادشاه انگلیس نائل آمد و صحت ادعای جوزر دیبا بود، حدود ۶ ماه در لندن سرگردان
ماند.
مقامات انگلیسی برای آنکه سفیر دربار ایران همراه‌های لازم را با آنان به عمل آورد و
آنهم معطوف را به دست فراموشی سپارد، همه گونه اسباب راحتی یا را فراهم کردند. باز
کردن باب معاشرت با زنان متعده، ۷۳ شرکت در مهمانی‌های گوناگون و سرانجام این
مقریر مدادوم العمر برای او، از جمله این اقدامات بود. جالب است توجه کنیم که به موجب
تصویبیم رسمی، پرداخت مقریر سالانه به میرزا ابوالحسن خان به عهده کمپانی هند شریکی
گذاشته شد و اولیاً کمپانی نیز بر خلاف موضعی که در برای مخارج سفارت جوزر اتخاذ
کرد بودند، بدون هیچ عذر و به این‌گونه چیزی آن را پذیرفته‌اند. بنابراین، آنها در قرار
دادند این بود.
این مقری مدادامی که شما در حفظ روابط دوستانه بریتانیایی کبیر با ایران به سفر
کبیر بریتانیا مساعدت نمایید، منظوراً پرداخت خواهد شد. ۳۸
پس از دیدار میرزا ابوالحسن خان با پادشاه انگلیس و تأیید سفرات جوزر و تعیین سرگور
اولیه به عووان سفر جدید، ۳۹ تشریفات مربوط به بازگشت سفیر ایران باز هم با اینکه تمام
انجام شد. سرگوراولیکی که اینک مقرر شده بود تا همراه ایلچی ایران روانه تهران گردید، به
مدت چند ماه میرزا ابوالحسن خان را برای خرید هدایای مناسب جهت شاه و دبیربان‌و
شرکت در مجالس مختلف و بازدید از اماکن دیدنی لندن متعطل کرد. از جمله می‌توان در این
شرکت در مجالس مختلف و بازدید از اماکن دیدنی لندن متعطل کرد. از جمله می‌توان در این
مدت، از دیدار اولیه از قانون انگلیس، شرکت در ضیافت شهرداری لندن، دیدار از پارلمن و برج لندن و کلیسای سن بایل، شرکت در مهمانی بالمانه، شرکت در مراسم جشن تولد پادشاه انگلیس و همچنین شرکت در جلسات فرآینسونری نام برد. این دوران تن نیز حدود ۶ ماه به طول انجامید.

در ۱۳ جمادی‌الاول ۱۲۴۵ (۱۶ دویember ۱۸۲۰) سرانجام میرزا ابوالحسن خان و سرگور اولزی و هیأت همراه از طریق بندر بوشهر عازم هند شدند تا خود را به ایران برسانند.

اگر مطالب قرارت رایج روند قضاوت را طبعی بپذیریم، لازم باید قبل که کمک به در این سفر دریابیم به دلیل گرفتن شدن کشتی در طوفان، اولزی و اولزی و همراهان آنان، به طور اتفاقی به بندری در کشور برزیل در آمریکای جنوبی رسیدند و پس از آن راه مراحت به هند را پیش گرفتند تا سرانجام در ۲۵ دی ماه ۱۲۴۵ (۱۱ اکتبر ۱۸۲۱) به بندری رسیدند و در ۵ محرم ۱۲۴۶ (۲۰ اکتبر ۱۸۲۱) بعد از ۱۸ روز توقف در بندری به طرف بوشهر حرکت کردند. ۴۰ اولزی و همراهانش در ۵ صفر (۱ مارس ۱۸۲۲) وارد بوشهر شدند. آنان مدت ۲۲ روز نیز در این شهر به دلیل نرسیدن مهمانداری که از سوی شاه تعیین شده بود، توقف کردند. در روز ۲ ربيع‌الاول ۱۲۴۶ (۲۷ مارس ۱۸۲۲) هیأت از بوشهر روانه شیراز شد و در ۱۶ ربيع‌الثاني ۱۲۴۶ (۸ آوریل ۱۸۲۱) به این شهر رسید و از آنجایی که همسر آقای اولزی سفیر انگلستان، باردار بود، با برای آنان برای وضع حمل همسر آقای اولزی مجبور به توقف در شیراز شدند.

هیأت مأموریت میرزا ابوالحسن خان که قرار بود با سرعت تمام انجام شود و حدود دو سال و نیم به طول انجامید، خانه‌ای یافت که کمی بعد آقای اولزی که با هم مأموریت داشته تا همانند جوزع عهدنامه‌ای قطعی با ایران منعقد نکند و مدتی دیگر دربار تا اشکال را برای قطعیت دادن به عهد نامه، بزی دهد، به امضاء عهدنامه مفصول در ۲۹ صفر ۱۲۴۷ (۱۴ مارس ۱۸۲۲) پرداخت و از آنجا پس تلاش وسع خود را برای سوخت دنیا دربار ایران به اختیار امتناع به روسیه آغاز کرد. در هنگام حضور اولزی در ایران جایگاه روسیه برای انگلیسی‌ها کاملاً روشی بود. آنان درگیر نبرد با فرانسه بودند و شایسته هرگونه حمایت؛ چه از کسی‌های ایران، چه از کسی‌های کمبودی و
دولت انگلستان در این زمان گویی عصر دعوایاً کمبانی با دولت انگلیس به سر آمده بود.

در کلامی کوتاه، می‌توان گفت که نمايشنامه دعوای لرد مینتو با جونز و ماموریت میرزا ابوالحسن خان و موریه به انگلستان و ترکیب دوره سرگردانی ارگوی در لندن و سرائیم ماجراى رسیدن کشته او و همراهانش به سواحل آمریکا بر اثر رفت‌وآمد شدن در طول وقت و سفر دو و نیم ساله انجیشی شیرازی و ... افزون بر قرائت رایج، بر بیان سیاست صبر و انتظار انگلیس در برابر رابطه نهایی الکساندر و نابلیون نیز قابل قرائت است. قرائت نخست، قرائت دبلماسیک این نمايشنامه است و قرائتی انگلیسی و قرائت دوم، قرائتی است مبتنی بر واقعیت تاریخی.
پی‌نوشت‌ها

1- آلبر ماله/زول ایازک، تاریخ قرن هجدهم، جلد ۱، ص ۶۱۹/۲۰۶/۲۱/تاریخ، ناپلئون، ص ۲۴۰/۲۳۸/کلغل و تن، تاریخ روسته از بیدا ۱۸۴۵، ص ۲۹۵/۲۹۴/پارس، تاریخ جهان نو، جلد اول ص ۴۷۲/ویل دورانت، عصر ناپلئون، ص ۲۴۵.

2- دنیس رابت نوشته است که امضای عهده‌نامه فیکشتاک و عزیمت یک هیئت مقترن دبلن‌الانگلیکنی نظامی فرانسوی به ایران، "درزه بر تن انگلیسی‌ها افکند." دنیس رایت/ژوانیان در میان انگلیسی‌ها، ترجمه کریم امامی، نشر نو تهران، ۱۳۶۳، جلد اول، ص ۱۰۹.

3- گاردنر، آفرد، خاطرات مادریت وزنار گردنان در ایران، ترجمه عباس اقبال آشتیانی، به کوشش همايون شهیدی، تهران، انتشارات گسترش فرهنگ و تاریخ ایران، ۱۳۲۳، ص ۱۷۲/۱۷۱/تاریخ ذوالقرنین، خامی: جلد اول، ص ۴۳۳/۳۳۳/فارسالسلطاتی، ص ۱۹۵/تاریخ چهار آرا، خطي، ص ۲۳۴/روضة الصفا ناصری، جلد نهم، ص ۴۶۵/نامه تویاریخ، جزء اول، ص ۱۷۲.

4- نگاه کنید به: بایدنششانهای وزنار ترکسل فرستاده ناپلئون به سمت هند، ص ۴۸.

5- صدر اصفهانی، پرشی عبد الله خان امین الدوله و میرزا ابوالفتح خان ابتنی از جمله آنان بودند. صدر اصفهانی حداکثر از زمان نخستین مادریت سرگرد جان مالکم به ایران در اصفهان به دام عشق انگلیسی گرفتنار شد. نگاه کنید به: راهین، اسامی، حقوق بیگانگان انگلیس در ایران، تهران، انتشارات جاویدان، ۱۳۲۹، ص ۲۲.


7- شیبان توجه که عهده‌نامه تئیسا در ۱۸۰۷ (۲ جمادی الولیا ۱۲۲۲) به امضای رسید ووجونز نیز حدود یکی ماه بعد امامورد ایران شد.

8- مقامات انگلیسی‌پس از تعین سرگرد مالکم به سفارت دربار قاجار، به احتمال سرتپی دادند.


9- فضل الله حسینی شیرازی، تاریخ ذوالقرنین، خطي، جلد اول، ص ۱۳/۱۰/عبدالرزاق بیک دنبالی، مادریتسلطاتی، ۱۳۶۲، قمری، ص ۲۱۱/مجد صادقی و نظام نگار مروزی، تاریخ جهان آرا، خطي، ص ۲۴۳/انگلیسی‌اندیشان در ایران، ص ۱۴.
۱۵۲ / تشریح تخصصی گروه تاریخ، دانشگاه تهران. شبماره سوم، سال ۱۳۸۱


۱۰. ایزی؛ ایران، ترجمه اردنر لطفعلیان، تهران، نشر فرزند، ص۱۳۶۸، ص۱۵۷/۱۵۶۸

۱۱. خاطرات آمریکن؛ زنگل کارهای در ایران، ص۸۵ و ۱۱۱/ ایرانیان در میان انگلیسیان، جلد اول، ص۲۴/ عباس میرزا اعتضادالدوله، تاریخ روابط ایران و انگلیس، ترجمه و تأثیر تهران، انتشارات زرین، ص۱۳۳/۱۳۷۳.


۱۵. مطابق دستورالعمل که جوزف همراه داشت، مقر شده بود همیشه سفر او و توسط مقامات انگلیسی هند تأمین شود. روشن ضریب، نفوذ سیاسی انگلیس در دربار ایران، مجله بررسی های تاریخی، سال ۴۸، شماره ۴، ص۱۳۸.

۱۶. وی می‌نوید که هر یک دندان سپ از ملاقات با او در لندن از رفتار لرد میترن نسبت به جوزف اظهار ناشنوند می‌کرد. میرزا ابراهیم خان شیرازی، حیرت نامه سفر نامه میرزا ابراهیم خان یلچی به لندن، تصمیم حسن مرسولن، تهران، مرکز خدمات فرهنگی رسا، ص۱۳۱/۱۳۴۱.

۱۷. ایرانیان عبارت بودند از مونت استوارت وینسوت و جارلز مکلفون. وینسوت موافق شد تا در ۱۷ زوئن ۱۸۰۹ عهده‌نامه‌ای برای شجاع منفرد کند و مکلفون نیز که در سپتامبر ۱۸۰۸ وارد لاهور شد موافق گردید تا عهده‌نامه‌ای برای اتحاد امیر پنبه با کبیری هند به امضای رسیدن. تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس، جلد اول، ص۱۱۹.


فرآیند دیگر از منازعه لر میتنو و سردار خورشیج جوئن / ۱۵۳

۱۸- مطالب تفسیر رسی از اقدام شگفت آور فرمانروای هند برای نکول حرالهای جوئن و اسرار او برای حمله به ایران، نقاشی اصلی را در این زمینه سرگرد جان مالکم ایفا کرد. بدهی است اذعان به این تفسیر بدان معناست که لر میتنو به رتبه اهمیتی از موقتیت جوئن و حقق دادن به همان خواسته هایی که پیش از اموریت جوئن، سرگرد مالکم را برای تحصیل آنها روانه ایران کرده و راه و روش کودکانه و خوبدوخته ای را در شرایط حقق اهداف سیاسی خارجی انجامان در پیش گرفت و برح رنگ شدت تا به تادبده گرفتن آنچه در تهران به دست آمد است، باب حکمی به سرانجام را میان ایران و انجامان بگذارد.


۱۹- گذشتگی از اینکه صلح تلیست عهده‌های نیودکه که اکسندتر با رضایت خاطر آن را امضاء کرده بامداد بلکه در واقع یادی صلحی که پس از شکست قوا روسی از فرانسوی ها امضاء رسید و نشانه شکست و خستگی اکسندتر بوده، همچنین گذشتگی از آن که در همان زمان امضاء عهده‌نامه نیز بر سر یاده تا کلبت و خواهر اکسندتر و نیز بر سر مخالفت نابلطو از عصر سرانجام و شکست روسی کشور عشقمی میان اکسندتر و نابلطو بوده، یعنی درست زمانی که جنگ روانه تهران و شده بود، نامه محرمانه‌ای از سوی یکی از زونالاهای روسی خطاب به فرمانده قوا ارتش که در حال نبرد با فرانسه بود به دست فرانسوی ها افتاده که همین نامه از علایق جدی روسی به تجدید دسمینی قرب الوقوع با فرانسوی‌ها حکایت میکرد. فرمانده روسی در این زمان به تجدید از مقامات ایرانی‌ها در مقابل قوا نابلطو پرداخته بود.

۲۰- موضوع عزیمت جوئن با مواقت با بدون مواقت لرد میتنو از جمله سائل مورد اختلاف در برخی از نوشته‌های نویسندگان انگلیسی است. ویلیام کی. و جی. بک نوشته‌نامه‌کا لرد میتنو پس از بازگشت مالک به کلکت از جنگ خروت تا مافوقدی خورشیج به سوی اریان راموقف سازد اما این نامه در حالی که جوئن بمبی را ترک کرده و به پوشش رسیده بود، به دست روسی رسید.


۲۲- تاریخ ذوالقیمتین، خطی، جلد اول، ص ۱۷۰ / تاریخ جهان آرا، خطی، ص ۲۱۲ / تاریخ آمریکاییان، ص ۴۶ تا ۵۱ / تاریخ افغانستان، خطی، جلد اول، ص ۹۱ / ناوانی: ۲۵۰ / ناوانی: ۳۷۳ / تاریخ فارسی، خطی، جلد اول، ص ۳۱ / روضة الصفا، ناصری، جلد نهم، ص ۴۵۵.
نتایج تاریخ، جزء اول، ص 182-183 / فارس‌نامه ناصری، جلد اول، ص 198 / تاریخ منتظم
ناصری، جلد سوم، ص 1491.

۱۷- ژونیور در ۲۱ رجب ۱۲۳۳ (۱۱ سپتامبر ۱۸۸۸) همراه هیأت دیپلماتیک زیر روانه ایران شد:

۱- میجر گریسمت، مینکی هایت
۲- جیمز موری، مینیک مخصوص سفر
۳- توماس هنری شریدان، معاون سیاسی
۴- کاپیتان جیمز ساتلند، نقشه‌بردار
۵- هنری ویلک، کورنت هنری ویلک
۶- جعفری علی نام یکی از منشی‌های ایرانی که توسط فرماندار بمبی آقای دکتر به جوئی معرفی شده بود;
۷- دکتر دِمَرونِدْکِمل، کلوپل
۸- استوار بلکر، انگلیسیان در ایران، جلد اول ص ۱۲.


۲۷- یادداشت‌های زرنج ترور زاده نایلمان به سمت هنری، ص ۲۸ / نایلمان و ایران، ص ۱۲۹.


۲۵- تاریخ ذوالقیانین، خطی، جلد اول ص ۱۷۱ / تاریخ جهان آرا، خطی، گ ۲۵۰ / تاریخ روابط
بازرگانی و سیاسی انگلیس و ایران، جلد اول، ص ۳۶۸-۳۶۹.


۲۱- تاریخ ذوالقیانین، خطی، جلد اول ص ۱۰۷ / زینه‌الهشیری، خطی، گ ۴۷۲ ألف / تاریخ چهارم آرا،
خطی ص ۲۵۰ / بلندای نگار: تاریخ قاجاریه، خطی، جلد اول، گ ۲۴ الف / تاریخ روابط بازرگانی و
سیاسی انگلیس و ایران، جلد اول، ص ۲۷۰ / ایران‌بان در میان انگلیسی‌ها، جلد اول، ص ۱۱۰ /
روضةالصفایی ناصری، جلد اول، ص ۴۵۵.


۲۷- تاریخ روابط بازرگانی و سیاسی انگلیس و ایران، جلد اول، ص ۳۷۲.
فرآیند دیگر از منازعه ارد میترو و سرهارفورد جونر / ۱۵۵


28- غلامعلی وحید مازندورانی، مجموعه عهدنامه‌های تاریخی ایران، تهران، انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۵۰، ص ۱۳.


30- ایرانیان در میان انگلیسی‌ها، جلد اول ص ۱۱۲/ تاریخ روابط بارزگانی و سیاسی انگلیس وایران، جلد اول ص ۳۲۱/ حیرت نامه، ص ۱۲۲.

31- حیرت نامه، ص ۱۲۱/ ایرانیان در میان انگلیسی‌ها، جلد اول ص ۱۱۳.

32- شایان توجه است که در لندن از جمله کسانی که ایلچی ایران را به مهارت‌های ویژه خوش‌فرآینده‌ها مقامات کمپانی بودند که نمایندگی ایران در هند، در انجام جنوتخلخل کرده بود، ایرانیان در میان انگلیسی‌ها، ص ۱۱۹.

33- حیرت نامه، ص ۱۲۱- ۱۳۱.

34- حیرت نامه، ص ۱۳۰- ۱۳۴/ ایرانیان در میان انگلیسی‌ها، ص ۱۱۴.

35- تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس در قرن نوزدهم، ص ۱۲۹.

36- حیرت نامه، ص ۲۴۷/ ایرانیان در میان انگلیسی‌ها، جلد اول، ص ۱۷۶- ۱۷۷.

37- ایرانیان در میان انگلیسی‌ها، جلد اول، ص ۱۱۸.

38- ایرانیان در میان انگلیسی‌ها، جلد اول، ص ۱۲۳.


42- انگلیسیان در ایران، ص ۲۱/ تاریخ روابط بارزگانی و سیاسی انگلیس وایران، جلد اول، ص ۴۴۷- ۴۴۴/ تاریخ روابط بارزگانی و سیاسی ایران و انگلیس، جلد اول، ص ۲۷۹/ تاریخ دولت‌‌القوین، خلیفه، جلد اول، ص ۱۴۴/ تاریخ جهان آریا، خلیفه، ص ۲۸۳/ روضه الصفایی ناصری، جلد نهم، ص ۴۷۸.
